

# استعارہ

(تطور، تحلیل و نقد)

احمد رضایی جمکرانی



پیشگیہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۳۹۸، ۷۶، ۱۳۹۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



(معاون دانشگاه علمی و فناوری)

احمد رضا جعفری

(نقد و تحلیل، تطبیق)

استاد

# استعاره

(تطور، تحلیل و نقد)

احمد رضایی جمکرانی

(عضو هیأت علمی دانشگاه قم)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۸



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

### استعاره (تطور، تحلیل و نقد)

تألیف: احمد رضایی جمکرانی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: آوای خاور

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: رضایی جمکرانی، احمد، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور: استعاره (تطور، تحلیل و نقد) / احمد رضایی جمکرانی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۸۹ ص.

شابک: 978-622-6304-26-9

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: استعاره

Metaphor موضوع

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Research Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: PN۲۲۸

رده بندی دیویی: ۸۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۷۲۱۶۲

## فهرست

|                                                                  |    |
|------------------------------------------------------------------|----|
| مقدمه.....                                                       | ۱۵ |
| فصل اول: بررسی و نقد سیر استعاره در آثار بلاغی عربی و فارسی..... | ۲۱ |
| استعاره در کتاب‌های بلاغی عربی.....                              | ۲۱ |
| الف. آثار پیش از اسرارالبلاغه.....                               | ۲۲ |
| البيان والتبيين.....                                             | ۲۲ |
| تأویل مشکل القرآن.....                                           | ۲۳ |
| قواعدالشعر.....                                                  | ۲۴ |
| البدیع.....                                                      | ۲۴ |
| الوساطه بین المتنبي والخصومه.....                                | ۲۵ |
| تشبيه و استعاره.....                                             | ۲۶ |
| نقدالشعر.....                                                    | ۲۷ |
| انواع استعاره.....                                               | ۲۷ |
| اصل لازم میان طرفین استعاره.....                                 | ۲۸ |
| اعجازالقرآن.....                                                 | ۲۸ |
| تعریف استعاره.....                                               | ۲۹ |
| ارکان استعاره.....                                               | ۲۹ |
| الصناعتین.....                                                   | ۲۹ |
| تعریف استعاره و اغراض آن.....                                    | ۳۰ |
| اغراض استعاره.....                                               | ۳۰ |

- ۳۱ ..... بلاغت استعاره
- ۳۲ ..... العُمَدَة فی محاسن الشعر و آرا و نقده
- ۳۲ ..... استعاره برترین مجاز است
- ۳۳ ..... تعریف، عیوب و حدود مختلف استعاره
- ۳۴ ..... سر الفصاحه
- ۳۴ ..... انواع استعاره
- ۳۴ ..... جایگاه تشبیه در استعاره
- ۳۵ ..... استعاره بر استعاره
- ۳۵ ..... ب. اسرار البلاغه و جرجانی
- ۳۶ ..... استعاره چیست؟
- ۳۷ ..... ویژگی های لفظ مستعار از نظر جرجانی
- ۳۷ ..... کارکرد ساختاری استعاره
- ۳۸ ..... استعاره و مجاز
- ۳۹ ..... انواع استعاره
- ۴۱ ..... استعاره حقیقی، استعاره سودمند است
- ۴۲ ..... مهم ترین ویژگی استعاره سودمند
- ۴۲ ..... تقسیم بندی استعاره سودمند
- ۴۳ ..... معنای استعاری و ترجمه
- ۴۴ ..... جایگاه استعاره در انواع صنایع بلاغی
- ۴۵ ..... استعاره مقیاس سخن است
- ۴۵ ..... استعاره مصرحه و مکنیه
- ۴۷ ..... راه های شناخت این دو نوع استعاره
- ۴۸ ..... تقسیم استعاره فعلی
- ۴۹ ..... کیفیت وجه شبه در استعاره
- ۵۰ ..... واژه مستعار

|                                      |    |
|--------------------------------------|----|
| ج. آثارپس از اسرارالبلاغه .....      | ۵۱ |
| البدیع فی نقدالشعر .....             | ۵۱ |
| استعاره .....                        | ۵۲ |
| مفتاحالعلوم .....                    | ۵۲ |
| استعاره درمفتاحالعلوم .....          | ۵۳ |
| تعریف استعاره .....                  | ۵۳ |
| ویژگی های استعاره از نظرسکاکی .....  | ۵۳ |
| انواع استعاره .....                  | ۵۴ |
| استعاره مکنیه .....                  | ۵۵ |
| استعاره مکنیه و تبعیه .....          | ۵۷ |
| استعاره مکنیه و مجاز عقلی .....      | ۵۸ |
| استعاره تهکمیه، اصلیه و تبعیه .....  | ۵۸ |
| تجريد و تشریح .....                  | ۵۸ |
| شروط حسن استعاره .....               | ۵۹ |
| تقسیم بندی دیگری از استعاره .....    | ۵۹ |
| مفتاح لعلوم در یک نگاه .....         | ۶۰ |
| الایضاح فی علومالبلاغه .....         | ۶۰ |
| تعریف استعاره .....                  | ۶۱ |
| مجاز عقلی .....                      | ۶۱ |
| دسته بندی استعاره .....              | ۶۲ |
| استعاره مکنیه و استعاره تخیلیه ..... | ۶۳ |
| مطول و مختصر المعانی .....           | ۶۴ |
| استعاره از نظرتفتازانی .....         | ۶۵ |
| استعاره مجاز لغوی است یا عقلی .....  | ۶۶ |
| استعاره و صدق و کذب .....            | ۶۶ |
| استعاره و قرینه .....                | ۶۷ |

- ۶۸.....انواع استعاره
- ۶۹.....مجاز مرکب
- ۷۰.....استعاره بالکنایه یا مکنیه
- ۷۱.....استعاره در کتاب‌های بلاغی عربی در یک نگاه
- ۷۱.....الف. آثار پیش از اسرارالبلاغه
- ۷۳.....ب. اسرارالبلاغه و جرجانی
- ۷۴.....ج. آثار پس از اسرارالبلاغه
- ۷۶.....استعاره در کتب بلاغی فارسی
- ۷۶.....ترجمان‌البلاغه
- ۷۷.....حدائق‌السحر فی دقایق‌الشعر
- ۷۹.....المعجم فی معایر اشعارالعجم
- ۷۹.....حقیقت و مجاز
- ۸۰.....استعاره و مجاز
- ۸۰.....کارکرد استعاره
- ۸۱.....معیار جمالی
- ۸۲.....دقایق‌الاشعار
- ۸۴.....حقایق‌الحدائق
- ۸۵.....مناظر‌الانشاء
- ۸۵.....ساختار استعاره
- ۸۶.....استعاره مکنیه و تحقیقه
- ۸۷.....استعاره مطلقه، مجرده و مرشحه
- ۸۸.....بدایع‌الصنائع
- ۸۹.....حقیقت، مجاز و استعاره
- ۸۹.....استعاره مکنیه
- ۹۰.....بدایع‌الافکار فی صنایع‌الاشعار

|          |                                                     |
|----------|-----------------------------------------------------|
| ۹۰.....  | حقیقت و مجاز                                        |
| ۹۱.....  | انوارالبلاغه                                        |
| ۹۲.....  | تعریف استعاره و انواع آن                            |
| ۹۲.....  | انواع استعاره                                       |
| ۹۵.....  | دیدگاه مازندرانی درباره استعاره مکنیه و تخیلیه      |
| ۹۷.....  | استعاره واسم علم                                    |
| ۹۸.....  | قرینه و ارکان استعاره                               |
| ۹۸.....  | تقسیم اول: استعاره وفاقیه و استعاره عنادیه          |
| ۹۹.....  | تقسیم دوم: به اعتبار جامع                           |
|          | تقسیم سوم: به اعتبار طرفین و جامع هر سه (از نظر حسی |
| ۹۹.....  | یا عقلی)                                            |
| ۹۹.....  | تقسیم چهارم: اصلیه و تبعیه                          |
| ۹۹.....  | تقسیم پنجم: تقسیم آن به اعتبار امور خارجه           |
| ۱۰۰..... | مجاز مرکب                                           |
| ۱۰۱..... | شرایط حسن استعاره                                   |
| ۱۰۲..... | رساله بیان بدیع                                     |
| ۱۰۵..... | ابدع البدایع                                        |
| ۱۰۶..... | دررالادب                                            |
| ۱۰۶..... | استعاره و تشبیه                                     |
| ۱۰۷..... | ارکان استعاره                                       |
| ۱۰۸..... | اقسام استعاره                                       |
| ۱۰۸..... | تقسیم استعاره به اعتبار لفظ مستعار                  |
| ۱۰۸..... | تقسیم بندی استعاره از حیث جامع                      |
| ۱۰۹..... | مجاز مرکب بالاستعاره و استعاره تمثیلیه              |
| ۱۱۰..... | هنجار گفتار                                         |

- ۱۱۰..... استعاره و مجاز
- ۱۱۰..... استعاره و کذب
- ۱۱۱..... انواع استعاره
- ۱۱۲..... معالم البلاغه
- ۱۱۳..... ارکان استعاره
- ۱۱۴..... استعاره بالکنایه
- ۱۱۵..... استعاره مرکب
- ۱۱۵..... معانی و بیان همایی
- ۱۱۷..... استعاره محتمله
- ۱۱۸..... استعاره تمثیلیه
- ۱۱۸..... صور خیال
- ۱۱۹..... تعریف استعاره
- ۱۲۳..... بیان شمیسا
- ۱۲۴..... تعویض اصطلاحات
- ۱۲۴..... استعاره مصرحه
- ۱۲۵..... استعاره مکنیه یا بالکنایه
- ۱۲۵..... انواع استعاره مکنیه
- ۱۲۶..... پرسونیفیکاسیون
- ۱۲۷..... مکنیه! استعاره است یا تشبیه؟
- ۱۲۸..... استعاره قیاسیه
- ۱۲۸..... استعاره تبعیه
- ۱۲۹..... استعاره از حیث جامع
- ۱۲۹..... استعاره قریب و بعید
- ۱۲۹..... استعاره بعید
- ۱۳۰..... وفاقیه و عنادیه

|          |                                                  |
|----------|--------------------------------------------------|
| ۱۳۰..... | استعاره تمثیلیه و مرکب                           |
| ۱۳۱..... | استعاره در کتب بلاغی فارسی در یک نگاه            |
| ۱۳۷..... | فصل دوم: بررسی و نقد ارکان مسائل استعاره         |
| ۱۳۷..... | معنای لغوی استعاره                               |
|          | معنای اصطلاحی: نقد و بررسی معنای اصطلاحی استعاره |
| ۱۳۹..... | (تعریف استعاره)                                  |
| ۱۴۱..... | طبقه‌بندی تعاریف استعاره                         |
| ۱۴۱..... | نامیدن چیزی به نامی دیگر                         |
| ۱۴۲..... | معنایی غیر از معنای اصلی یا لغوی                 |
| ۱۴۳..... | مجاز و مشابهت                                    |
| ۱۴۴..... | عبارت و غرض خاص                                  |
| ۱۴۵..... | مبالغه در تشبیه یا علاقه مشابهت                  |
| ۱۴۶..... | تعاریف مبتنی بر مشابهت                           |
| ۱۴۷..... | تعاریف مبتنی بر حضور یا حذف طرفین تشبیه          |
| ۱۴۸..... | استعاره، قیاس و کاربرد واژگانی                   |
| ۱۴۹..... | قرینه                                            |
| ۱۵۰..... | جمع‌بندی دیدگاه‌ها                               |
| ۱۵۵..... | بررسی و نقد سیر ارکان استعاره                    |
| ۱۶۰..... | ارکان چهارگانه                                   |
| ۱۶۲..... | قرینه صارفه                                      |
| ۱۶۴..... | قرینه و معنا                                     |
| ۱۶۶..... | رابطه استعاره، قرینه صارفه و معنا                |
| ۱۷۰..... | «این» و «آن» به عنوان قرینه صارفه                |
| ۱۷۲..... | «ای» به عنوان قرینه                              |
| ۱۷۳..... | تعداد و تعدد قرینه                               |

- ۱۷۳ ..... قرینه و ملانم
- ۱۷۵ ..... جامع (وجه شبه)
- ۱۷۶ ..... جامع از نظر حسی و انتزاعی
- ۱۸۰ ..... بررسی و نقد سیر تقسیم‌بندی انواع استعاره
- ۱۸۴ ..... نقد و بررسی استعاره مصرحه یا استعاره نوع اول
- ۱۸۵ ..... نقد و بررسی انواع استعاره مصرحه
- ۱۸۸ ..... استعاره مصرحه مطلقه
- ۱۹۰ ..... استعاره مصرحه مجرده
- ۱۹۰ ..... استعاره مصرحه مرشحه
- ۱۹۲ ..... بررسی و نقد سیر استعاره مکنیه یا نوع دوم
- ۱۹۳ ..... ۱. آثار نخستین و نبودن این موضوع
- ۱۹۵ ..... ۲. دیدگاه جرجانی و نبود این اصطلاح
- ۱۹۷ ..... ۳. دیدگاه سکاکی و آغاز بحث در جوانب این اصطلاح
- ۲۰۱ ..... ۴. دیدگاه خطیب قزوینی
- ۲۰۱ ..... ۵. دیدگاه تفتازانی و تکرار این تعریف
- ۲۰۲ ..... ۶. منظر الانشاء
- ۲۰۳ ..... ۷. بدایع الصنائع وتشبیه کنایی
۸. انوارالبلاغه و نقد دیدگاه سکاکی، خطیب قزوینی و  
 ۲۰۳ ..... زمخشری
- ۲۰۴ ..... ۹. مازندرانی و استعاره تخیلیه
- ۲۰۶ ..... ۱۰. دیگر آثار بلاغی فارسی
- ۲۰۶ ..... ۱۱. دیدگاه شفیعی کدکنی
- ۲۰۶ ..... تشخیص از نظر شفیعی کدکنی
- ۲۰۷ ..... تشخیص یا استعاره مکنیه
- ۲۰۸ ..... ۱۲. دیدگاه شمیسا

|          |                                                      |
|----------|------------------------------------------------------|
| ۲۰۸..... | استعاره، مکنیه و تخیلیه                              |
| ۲۰۸..... | انواع استعاره مکنیه از نظر شمسیا                     |
| ۲۰۹..... | پرسونیفیکاسیون.....                                  |
| ۲۱۰..... | استعاره یا تشبیه؟.....                               |
| ۲۱۰..... | مروری بر استعاره مکنیه در آثار بلاغی.....            |
| ۲۱۱..... | استعاره مکنیه در یک نگاه.....                        |
| ۲۱۴..... | استعاره اصلیه و تبعیه.....                           |
| ۲۱۵..... | استعاره تبعیه و استعاره مکنیه.....                   |
| ۲۱۷..... | استعاره تبعیه، کنایه، استعاره تمثیلیه و استخدام..... |
| ۲۱۹..... | استعاره وفاقیه و عنادیه.....                         |
| ۲۲۱..... | استعاره عامیه (مبتذله) و خاصیه (غریبه).....          |
| ۲۲۳..... | استعاره تمثیلیه.....                                 |
| ۲۲۸..... | بررسی و نقد دیدگاههای مختلف درباره تشبیه تمثیل.....  |
| ۲۲۹..... | تشابهات و تمایزات.....                               |
| ۲۳۲..... | ویژگی‌ها و کاربرد استعاره.....                       |
| ۲۳۷..... | استعاره و تشبیه.....                                 |
| ۲۴۱..... | استعاره و مجاز.....                                  |
| ۲۴۵..... | فصل سوم: استعاره در حوزه‌های دیگر.....               |
| ۲۴۵..... | جایگاه استعاره در سبک‌شناسی بلاغی.....               |
| ۲۵۱..... | استعاره و نوع ادبی.....                              |
| ۲۵۲..... | استعاره و حماسه.....                                 |
| ۲۵۶..... | استعاره و نوع غنایی.....                             |
| ۲۶۰..... | استعاره و نوع تعلیمی.....                            |
| ۲۶۱..... | انواع دیگر استعاره.....                              |
| ۲۶۱..... | استعاره مفهومی و استعاره دستوری.....                 |

|          |                                  |
|----------|----------------------------------|
| ۲۶۱..... | لیکاف و استعاره مفهومی یا شناختی |
| ۲۷۱..... | استعاره دستوری                   |
| ۲۷۲..... | نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرا- سیستمی |
| ۲۷۳..... | استعاره دستوری و فرا نقش‌ها      |
| ۲۸۳..... | کتاب‌نامه                        |

## مقدمه

خواه دستگاه بلاغی را در معنای محدود گذشته شامل صنایع بدیعی و بیانی بدانیم، خواه در معنایی گسترده‌تر تمام عوامل دخیل در ساختار کلام، در هر صورت، استعاره نه تنها یکی از مؤلفه‌های این دستگاه، بلکه مهم‌ترین آنها است. اهمیت استعاره به اندازه‌ای است که قیروانی آن را برترین مجاز می‌داند و تأکید می‌کند که در شعر و شاعری چیزی شگفت‌آورتر از استعاره وجود ندارد (القیروانی، ۱۹۳۴: ۴۳۷). دیدگاهی که بعدها در آرای جرجانی به گونه‌ای دیگر بیان شد. عبدالقاهر، استعاره را بر تمام صنایع بلاغی رجحان می‌دهد و جایگاه آن را در بین انواع هنرهای بلاغی چون ماه تابان می‌داند و معتقد است انواع سخن نیازمند استعاره است و بدون استعاره هر سخنی عاطل خواهد بود به گونه‌ای که اگر آن را از سخن برداریم، رونق و زیبایی کلام زایل خواهد شد (جرجانی، ۱۳۷۴: ۲۴)؛ به عبارت دیگر، جرجانی ادبیات کلام را منوط به استعاره می‌داند، زیرا استعاره مؤلفه‌ای است که باعث شگفتی در سخن و نیز التذاذ هنری می‌شود (همان، ۱۵). توجه و تأکید بر جایگاه استعاره در میان صنایع ادبی، مختص بلاغیون ما یا روزگاران گذشته نبوده است و نیست. صاحب‌نظران غربی نیز از روزگار ارسطو تاکنون بر اهمیت استعاره و رجحان آن بر عناصر ادبی دیگر صحه گذاشته‌اند. «این نظریه را که استعاره و نماد از ملزومات بنیادین شعر هستند نیز

نخستین بار ویکو، بلک ول، دیدرو و هامان، بیان و برادران شگل آن را به بهترین وجهی تکمیل کردند» (ولک، ۱۳۷۳: ۳۸-۳۹). ویلهلم شگل معتقد بود هنر راهی است به سوی معرفت از طریق نشانه‌ها و اندیشیدن به وسیله صورت‌های خیالی؛ به همین دلیل، استعاره را پیوسته شیوه اصلی شعر قلمداد می‌کرد (ولک، ۱۳۷۴: ۵۶-۵۸).

اگر بخواهیم همه نظراتی را که به اهمیت استعاره و جایگاه بلاغی آن اشاره کرده‌اند، گردآوری کنیم، خود نیازمند کتابی مستقل خواهد بود، لیکن آنچه جملگی بر آن‌اند عبارت است از اینکه استعاره از مقیاس‌های بنیادین کلام (به‌ویژه کلام ادبی) است؛ به سخنی دیگر، اگر ادبیات را «چگونه گفتن» بدانیم، استعاره‌ها یکی از شیوه‌های اساسی «چگونه گفتن» هستند.

از طرفی نیز شاید بتوان گفت که اهمیت استعاره به دلیل جایگاه چندوجهی آن است. همین ویژگی سبب شده است، این موضوع از منظر نشانه‌شناسی، روانشناسی، مطالعات مختلف زبانی و... بررسی شود و اهمیت پژوهش درباره استعاره را دوچندان کند. اما نکته‌ای که در مطالعه استعاره مانند هر موضوع دیگری درخور اهمیت است، توجه به مطالعات این حوزه در بستر تاریخ و بررسی دگرگونی‌های آن درگذر زمان است. این امر می‌تواند چشم‌اندازی مناسب از تحولات، دیدگاه‌ها، کاستن‌ها و افزودن‌ها و خلاصه تمام آنچه در این حوزه روی داده و هر آنچه فراموش شده است، عرضه کند. به عبارت دیگر، چنین پژوهشی می‌تواند دریافت روشنی از سیر این مبحث ارائه دهد. اهمیت این مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم استعارات بر اساس حوزه‌های فکری و فرهنگی خاص خودشان شکل می‌گیرند، گسترش پیدا می‌کنند و از میان می‌روند. به سخن دیگر، نمی‌توان برای تمام استعارات در همه جا، نسخه‌ای واحد پیچید. استعاراتی که در بلاغت ما به وجود آمده‌اند، قطعاً با استعاراتی که با زمینه فکری و فرهنگی دیگری پدیدار شده‌اند، متفاوت هستند. چه بسا آنچه را که

ما استعاره می‌دانیم، در ساختار فکری دیگری استعاره قلمداد نشود، عکس این قضیه نیز صادق ممکن است صادق باشد. نتیجه آنکه، بررسی استعاره در سنت بلاغی ما، از خودبستگی این موضوع در این ساختار فکری و فرهنگی حکایت می‌کند. به تعبیری دیگر، استعاره در سنت بلاغی ما، بدون توجه به جایگاه یا دریافت‌های آن در فرهنگ‌های دیگر - مثلاً یونان - شکل گرفته، بالیده و گسترده شده و محققان نیز دربارهٔ مختصات آن بحث کرده‌اند.

به نظر می‌رسد داشتن تصویری درست از استعاره در چنین سنت بلاغی‌ای، مستلزم آگاهی از روند تاریخی آن است. چنین دریافتی به معنای جست‌وجوی همه چیز در گذشته نیست. به عبارتی، بررسی سیر هر موضوعی به معنای گذشته‌پژوهی و ماندن در گذشته نیست، بلکه به مثابه شناختی درست و درکی عمیق از ریشه‌های هر موضوع برای پرورش بهتر آن است. در این کتاب نیز تلاش شده است برای تبیین تطور استعاره در چنین زمینه‌ای روند آن از نخستین آثار بلاغی عربی و فارسی بررسی شود.

بر این مبنای، ابتدا سیر استعاره از نخستین کتب بلاغی عربی تا عصر تثبیت مباحث این اصطلاح در آثار تفتازانی بررسی می‌شود. همچنین تلاش می‌شود آثار مهم این حوزه در این بازه زمانی با تأکید بر استعاره، بررسی و تمام مباحثی که دربارهٔ این موضوع مطرح شده، استخراج و تحلیل شود. آنچه در روند آثار این دوره - همان‌طور که در کتاب مفصل دربارهٔ آن بحث شده است - اهمیت ویژه‌ای دارد، جایگاه جرجانی است. وقتی به *اسرارالبلاغه* جرجانی و آرای او دربارهٔ استعاره می‌نگریم، با دیدگاه‌هایی متفاوت، تحلیلی و در یک کلام بسیار نو روبه‌رو می‌شویم. دیدگاه‌هایی که در آثار قبل و بعد از او وجود ندارد! گویا این آراء از اندیشه‌ای منحصر به فرد برخاسته‌اند. اندیشه‌هایی که چون کوهی استوار سر برآورده‌اند، افکاری که از ذهنی خلاق و منظم حکایت می‌کنند، ذهنی که بیش از اینکه

شما را گرفتار قالب کند، به اندیشیدن وا می‌دارد. اما دریغ که بلاغت ما در روند خویش از این اندیشه خلاق کمتر بهره برده و بیشتر گرفتار قالب‌ها و سخنان مکرر شده است. در هر حال، همین ویژگی‌های خاص اسرارالبلاغه موجب شد آن را به عنوان معیار در نظر بگیریم و بر مبنای آن، استعاره را در آثار بلاغی عربی به سه بخش تقسیم کنیم: ۱. آثار پیش از اسرارالبلاغه، ۲. اسرارالبلاغه، ۳. آثار بعد از اسرارالبلاغه. چنانکه در بخش نخست خواهد آمد، مبحث استعاره در آثار دسته اول با عنوان نخستین‌ها، بسیار کوتاه و مجمل است و عمدتاً تعریف استعاره و مباحثی بسیار کوتاه یا دسته‌بندی‌های اندک و ذوقی را شامل می‌شود. سپس اثر جرجانی (اسرارالبلاغه) بررسی می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، دنیای اسرارالبلاغه، دنیایی کاملاً متفاوت است. به عبارت دیگر، روش جرجانی خاص خود اوست. اگر بگوییم که در میان همه آثار بررسی‌شده، فقط کتاب *اسرارالبلاغه* است که متدولوژی دارد، سخنی گزاف نگفته‌ایم. با بررسی موضوعاتی که جرجانی، دست‌کم در بخش استعاره، درباره آنها بحث کرده و نیز بررسی شیوه او در تحلیل مسائل می‌توان به تفاوت شیوه او با دیگران در زمینه تحلیل پی برد. اما به نظر می‌رسد آثار پس از جرجانی اهمیت چندانی در سنت بلاغی ما ندارند. اهمیت آثار سکاکي، خطیب قزوینی و تفتازانی برای این است که چهارچوب و شاکله مباحث بلاغی و استعاره را در این کتاب به وجود آورده‌اند؛ چهارچوبی که تا روزگار ما ادامه داشته است و دارد. در واقع، سکاکي چهارچوبی را تدوین کرد، خطیب قزوینی آن را جرح و تعدیل و تبیین نمود و در آثار تفتازانی، به قوانینی خشک و لایتنیر بدل شدند. قوانینی که در طول قرون تکرار شدند و تکرار شدند؛ احکام ثابتی که فارغ از دگرگونی‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی سده‌های متمادی بر نظام بلاغی ما سایه افکندند. شاید یکی از علل بی‌توجهی به جرجانی همین آثار و سیطره آنها بوده است!

پس از بررسی استعاره در آثار عربی، در بخش بعدی آثار بلاغی فارسی از همین منظر تحلیل می‌شود. در آثار بلاغی به زبان عربی، اثر متفاوتی مانند *اسرارالبلاغه* وجود دارد و این اثر از چنان جایگاهی برخوردار است که می‌تواند معیار دسته‌بندی آثار دیگر قرار گیرد، اما در میان آثار بلاغی فارسی زبان اثری با این جایگاه که مباحث، شیوه و روش آن متفاوت با آثار دیگر است، دیده نمی‌شود. البته، باید اشاره کرد که در برخی آثار بلاغی معاصر سعی شده است درباره این موضوع اندکی متفاوت‌تر از آثار دیگر بحث شود!

نخستین آثار بلاغی فارسی مانند *ترجمان‌البلاغه*، *حدائق‌السحر* دو ویژگی دارند: ۱. ایجاز و کوتاهی که از این حیث مانند کتب بلاغی عربی هستند؛ ۲. این دسته (در بخش مورد بررسی ما) به آثار ادبی، به‌ویژه آثار منظوم، بیشتر توجه کرده‌اند. به عبارتی، سعی کرده‌اند مباحث استعاره را بر پایه آثار ادبی فارسی بررسی کنند.

شاید بتوان گفت بیشتر کتب بلاغی فارسی تا روزگار تألیف *انوار البلاغه* در قرن یازدهم، کوتاه و موجزند، می‌توان این کتاب را از جمله کتاب‌های بلاغی مفصل به زبان فارسی و بر پایه *مفتاح العلوم* سکاکی، *الایضاح* و آثار تفتازانی به حساب آورد؛ گویا پس از این کتاب مباحث بلاغی فارسی مفصل‌تر می‌شوند و همان شیوه و روش آثار بلاغی عربی (به‌ویژه آثار تفتازانی) در آن‌ها آشکارتر می‌گردد.

در بخش بعدی ضمن توجه به سیر تاریخی هر موضوع، جوانب مختلف این اصطلاح مانند تعریف، ارکان، انواع و ... بررسی، تحلیل و نقد می‌شود.

همان‌طور که در متن هم اشاره شده، اساس مباحث این کتاب بررسی استعاره در کتاب‌های بلاغی عربی و فارسی بوده است، بدین معنا که این موضوع در نظام بلاغی غرب بررسی نشده، به‌جز استعاره مفهومی و استعاره دستوری که به دلیل توجه و گسترش در حوزه

مطالعات استعاره، بخشی را به خود اختصاص داده‌اند و در قسمت پایانی به این دو موضوع نیز اشاره شده است.

در پایان شایسته است از دوستان و همکاران ارجمند جناب آقای دکتر یوسف محمدنژاد و دکتر علیرضا شعبانلو، اعضای محترم هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که در به ثمر رسیدن این اثر بنده را مرهون لطف خویش کردند، تشکر کنم؛ از دوست عزیزم دکتر همایون جمشیدیان عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان که کتاب را مطالعه و نکته‌های ارزشمندی را یادآوری کردند و نیز از خانم سمیه خورشیدی و آقای امیر ملکیان، دانشجویان فرهیخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم که متن را بازخوانی و مقابله کردند، بسیار سپاسگزاری می‌کنم.

همچنین از آقای دکتر یدالله رفیعی، مدیر فرهیخته انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که صبورانه پیگیر مراحل مختلف نشر کتاب بودند، صمیمانه قدردانی می‌کنم.

آرزو مندم این کتاب بتواند گامی کوچک در مسیر پژوهش‌های بلاغی باشد و همکاران دانشی و بصیر، بنده را مرهون راهنمایی‌های عالمانه خویش کنند.

مرداد ماه ۱۳۹۷ خورشیدی

احمد رضایی جمکرانی

## فصل اول

### بررسی و نقد سیر استعاره در آثار بلاغی عربی و فارسی

#### استعاره در کتاب‌های بلاغی عربی

مبحث استعاره، فراز و نشیب‌های مختلفی را - از بحث‌های بسیار ساده اولیه گرفته تا مجادلات و اصطلاح‌سازی‌های گوناگون - پشت سر نهاده تا به روزگار ما رسیده است. اما در این مسیر پر پیچ و خم، برخی از بزنگاه‌ها اهمیتی بیشتری دارند به گونه‌ای که می‌توان آنها را شاخصی در روند تجزیه و تحلیل استعاره به‌شمار آورد. شاخصی که احتمالاً در پذیرش آنها، بیشتر پژوهش‌گران این عرصه با یکدیگر هم‌نوا هستند و آنها را معیار کار خویش قرار می‌دهند. کتاب *اسرار البلاغه*، تألیف جرجانی نیز یکی از این شاخص‌های بسیار مهم (اگر نگوئیم مهم‌ترین) در حوزه بلاغت به‌طور عام و در اینجا استعاره به‌طور خاص به‌شمار می‌رود. اهمیت این اثر زمانی روشن خواهد شد که آثار پیش از آن و پس آن را بررسی کنیم. به قول شلگل، «اگرچه هر اثر هنری باید در خود محدود باشد، باید آن را مجموعه‌ای وابسته بدانیم و از منظر خاستگاه و موجودیتش و نیز آثار متقدم و متأخرش به آن بنگریم» (ولک، ۱۳۷۴: ۷۲). آنچه در سخن شلگل مهم است آثار متقدم و متأخر است. در اینجا آثار متقدم و متأخر، جایگاه جرجانی و *اسرار البلاغه* را بهتر نشان می‌دهند؛ اثری که به‌نظر می‌رسد به‌رغم ارائه دیدگاه‌های بسیار مهم در قلمرو پژوهش‌های بلاغی، نادیده گرفته شده است. این بی‌توجهی هنگام بررسی آثار بلاغی در

روند تاریخی، بسیار زود چهره می‌نمایاند. شیوهٔ جرجانی، به‌نظر می‌رسد شیوه‌ای منحصر به فرد و خاص و درواقع، تفاوت اصلی او با متقدمان و متأخران است؛ شیوه‌ای که به روش‌های مرسوم بلاغت پژوهی شباهت چندانی ندارد و شاید همین امر موجب شده است پژوهش‌گران عرصه بلاغت که همچنان از روش‌های قدیمی استفاده می‌کنند، به آثار او از جمله *اسرارالبلاغه* کمتر توجه کنند. درحالی‌که این اثر را می‌توان از آثار شاخص در پژوهش‌های بلاغی محسوب کرد. درهرحال، به‌نظر می‌رسد *اسرارالبلاغه* در حیطه بلاغت به دلیل دقت، شیوهٔ تحلیلی، نکته‌سنجی، توجه به جوانب موضوع مورد بحث و... که در کتاب‌هایی دیگر از این دست کمتر دیده می‌شود، از چنان جایگاهی برخوردار است که به ما امکان می‌دهد روند مباحث بلاغی و از جمله استعاره را بر اساس آن دسته‌بندی کنیم تا ضمن بررسی روند کتاب‌های بلاغی درخصوص موضوع مورد بحث یعنی استعاره، اهمیت آرای جرجانی را نیز آشکار کنیم. از این رو، در اینجا، استعاره در سه دوره، بررسی و نقد شده است: الف. آثار پیش از *اسرارالبلاغه*، ب. *اسرارالبلاغه* (و جرجانی)، ج. آثار پس از *اسرارالبلاغه*. البته این دسته‌بندی را می‌توان از دیدگاه پژوهشگری دیگر نیز به گونه‌ای متفاوت مشاهده کرد.

## الف) آثار پیش از *اسرارالبلاغه*

### البيان والتبيين

از نخستین آثاری که در آن دربارهٔ استعاره بحث شده است، *البيان والتبيين* جاحظ (۲۵۵ ه. ق) است. او بدون آنکه از تقسیمات بلاغی یعنی معانی، بیان و بدیع سخنی بگوید، اشعار شاعرانی همچون کلثوم بن عمرو عتّابی، منصور نمری و مسلم بن ولید را بررسی می‌کند. فنون بلاغی مورد نظر جاحظ در این کتاب، بیشتر استعاره، تشبیه، طباق، جناس و نظایر اینها است. او اصطلاح «بدیع» را عمدتاً دربارهٔ استعاره و تشبیه به کار می‌برد، اما در باب

استعاره، فقط بر اساس شواهد شعری، به تعریف این اصطلاح بسنده می‌کند. از نظر جاحظ، استعاره با توجه به این بیت

و طفت سحابه تغشاهما      تبکی علی عراضها عینها

عبارت است از: نامیدن چیزی به نام دیگری که جایگزین آن شود (جاحظ، ۱۹۲۳: ۱۱۵). درواقع، جاحظ تقسیم‌بندی‌ای از استعاره ارائه نمی‌دهد و همان‌طور که در این نمونه هم نشان داده می‌شود، مشخص نمی‌کند که منظور او چه نوع استعاره، با چه ویژگی‌هایی است. یا توضیح نمی‌دهد که «نامیدن چیزی به جای چیز دیگر»، بر واژه مبتنی است یا عبارت؟! مبنای این «جایگزینی» چیست؟ مشابهت است یا مجاورت یا چیزی دیگر. در این نمونه که با استعارهٔ مکینیه مواجهیم، این جایگزینی چگونه است: چشمان ابر می‌گیرید! خلاصه اینکه در اینجا بدون تبیین چارچوب استعاره، این مبحث بسیار موجز و مختصر است.

## تأویل مشکل القرآن

این کتاب چنانکه از نامش پیداست، کتابی بلاغی به معنای خاص این اصطلاح نیست. ابن قتیبه دینوری (۲۷۶ ه. ق)، کتاب تأویل مشکل القرآن را در رد دیدگاه کسانی نوشت که معتقد بودند در قرآن مشکلاتی دیده می‌شود که این مشکلات نظم و اسلوب قرآن را مختل می‌کنند. دینوری، در مبحث استعاره نخست تعریف جاحظ را نقل می‌کند، ولی به ذکر این تعریف بسنده نمی‌کند و قیدی بر آن می‌افزاید. او در باب استعاره ضمن تأکید بر به‌کارگیری چیزی به جای چیزی دیگر، ارتباط میان معنای حقیقی و مجازی را لازم و وجود چنین پیوندی را به سه شکل ممکن می‌داند. این سه شکل عبارت‌اند از: سببیت، مجاورت و تشبیه (ابن قتیبه، ۱۹۷۳: ۱۳۵). روشن است که از میان این پیوندهای سه‌گانه، فقط پیوند بر مبنای تشبیه،

اساس استعاره است. درحالی که به نظر می‌رسد دینوری پس از بحث مفصل درباره استعارات قرآنی، مجازهای قرآن را نیز استعاره می‌داند. به عبارت دیگر، استعاره از نظر دینوری چیزی جز مجاز (در معنی عام) نیست.

### قواعدالشعر

ثعلب، احمد بن یحیی (۲۹۱ ه. ق) از جمله نحویان، لغویان و راویان شعر عرب به‌شمار می‌رود. او در قواعدالشعر ضمن اشاره به موضوع تشبیه و استعاره، آنها را از فنون شعری برمی‌شمرد (ثعلب، ۲۰۰۵: ۳۱ و ۴۷) و با نقل قولی از ابوالعباس استعاره را چنین تعریف می‌کند: هو أن يستعار للشيء اسم غيره أو معنى سواه (همان، ۴۵). آنگاه به شیوه مرسوم در این‌گونه آثار، نمونه‌هایی مبتنی بر این تعریف می‌آورد، اما مشخص نمی‌کند که منظور او از استعاره در این شواهد چیست! روشن است که ثعلب نه چیزی بر مبحث استعاره افزوده است و نه بر تعریف آن. حتی تعریفی که عرضه کرده از آن دیگری است و نظیر همان تعریف جاحظ در این باب.

### البديع

همان‌طور که در کتاب تشبیه آورده‌ایم البديع، تألیف عبدالله بن معتمر (۲۹۶ ه. ق) در سال ۲۷۴ هجری قمری است و نخستین کتاب در حوزه بلاغت محسوب می‌شود. طبق گفته ابن معتمر، البديع بر اساس قرآن، احادیث پیامبر، کلام صحابه و اشعار پیشینیان نوشته شده است (ابن المعتمر، ۲۰۰۱: ۱). بدوی طبانه نیز اشاره می‌کند هرچند اصطلاح «بديع» پیش از ابن المعتمر در آثار جاحظ و شعر عرب به‌کاررفته و مسلم ابن ولید (متوفی ۲۰۸ ه. ق) نیز اولین کسی است که این اصطلاح را به‌کاربرده، فضل ابن المعتمر، جمع‌آوری و ایضاح این موضوعات و ایراد شواهد مختلف از قرآن، حدیث و آثار ادب عربی است (طبانه، ۱۴۰۸: ۱۱۷-۱۱۸). البديع در پنج

باب استعاره، تجنیس، مطبقة، رد اعجاز الکلام و مذهب کلامی تحت عنوان بدیع تدوین شده است: الباب الاول من البدیع و هو الاستعاره، الباب الثانی من البدیع و هو التجنیس، الباب الثالث من البدیع و هو المطابقة، الباب الرابع من البدیع و هو رد اعجاز الکلام علی ما تقدمها و الباب الخامس من البدیع و هو مذهب سماء عمر و الجاحظ المذهب الکلام.

اختصاص یافتن بخش نخست این کتاب به استعاره، بیانگر اهمیت این موضوع نزد ابن معتر است. او احتمالاً در این موضوع از کتاب/البيان جاحظ هم بهره برده است. در این کتاب، چنانکه شیوه نویسنده است، اصطلاحات، تعریف، طبقه‌بندی یا نقد نشده‌اند. بر همین اساس، در بخش استعاره فقط با آوردن عبارت «من بدیع و هو الاستعاره»، بدون هیچ توضیحی مثال‌هایی را نقل و بر آنها تأکید می‌کند که در آنها استعاره وجود دارد. به عبارتی، خواننده فقط با مثال‌هایی روبه‌رو می‌شود که مؤلف معتقد است حاوی استعاره‌اند (ابن المعتر، ۲۰۰۱: ۱۵-۲۵)، ولی درباره چگونگی آنها هیچ سخنی نمی‌گوید.

### الوساطه بین المتنبي والخصومه

الوساطه بین المتنبي والخصومه، تألیف ابوالحسن علی ابن عبدالعزیز جرجانی (۳۶۳/۳۶۶ ه. ق) ادیب، شاعر، فقیه و متکلم مشهور قرن چهارم است. مبحث استعاره در بخش بدیع این اثر و در میان مباحث بلاغی دیگر این حوزه مطرح شده و مانند البدیع ابن معتر و البیان جاحظ، اولین موضوع این کتاب است. نخستین چیزی که در این اثر توجه را جلب می‌کند، تعریف استعاره است. تعریفی که جرجانی در اینجا آورده، همان تعریفی است که ثعلب در قو/عد الشعر از ابوالعباس در باب استعاره نقل کرده است: و هو ان يستعار للشیء اسم غیر او معنی سواء. (جرجانی، ۲۰۰۵: ۴۵). گویا این تعریف، از همان آغاز به عنوان تعریف جامع استعاره پذیرفته شده است و